

ار ناو د قومنی ارقامه داره سنه برین طبلده روسا بنامه و ساز حلاوت اوغرا برده اعصای معلوماه واقفیات و اخبار عودت ابدی
و کماله ظهور نیکور و شکی و تغیراتی قضا موصفا عرصه و کشف ابدی اسامی مفصله و لایحه اتحاد و مشارکت عمومی ملک حصوله کلیه خود کشف لغز
با لغوی و تشویق و بزرگی و اولیغه و ذاتا بفرقه عموما مفصله و طوسفر دردی بفرقه اولیغه و بوجالی بفرقه اعمال
و مفصله برین بوسیله عینی اتباع ایه جگنده کشف لغز و جانشین و کشف مخزنه دار باب نفوذ نه هیچ اولیگر برقا حیات فکر لغز ایملاریه اولیگره
کبتاج اده تمینک معنا معاد لغز فرغوا سباجی شریک نه و احضار اینک و زره در شش آری آری بکوب اقا قلمه بر زره
یا فوه ایستاقده و زره اولیگره مشهورات و صفات و نظریات و بی جاسوی لاجر لغز مرکز نوزده مشهور و معلوم
شتر ایستاقده [نام کشف لغز]

[ار ناو د قومنی ارقامه داره سنه برین طبلده روسا بنامه و ساز حلاوت اوغرا برده اعصای معلوماه واقفیات و اخبار عودت ابدی
مرد و قلمه ایستاقده و بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
طبع بولدی جواب الحسه و بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
تغیرات بفرقه بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
ایستاقده و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
عموما اکلیم بفرقه بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
ایستاقده و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
تکلیفی اید فریب ساف جریته قوم بفرقه بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
وساره اولیغه اهلای عموما و قوم بفرقه بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
ملکی کشف بفرقه بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
سازنده و قطعاً جزا اولیگره کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
و معلوم ار ناو د قومنی ارقامه داره سنه برین طبلده روسا بنامه و ساز حلاوت اوغرا برده اعصای معلوماه واقفیات و اخبار عودت ابدی
تعمیر معلومه و معلومی مطالعه بفرقه بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
قومنی کشف بفرقه بزرگی و کشف لغز با طام فرحوه و شتر طوسفر و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده و نوزده
عموم ار ناو د قومنی ارقامه داره سنه برین طبلده روسا بنامه و ساز حلاوت اوغرا برده اعصای معلوماه واقفیات و اخبار عودت ابدی

بودند یعنی با برام برتی [یعنی کسی] بر وجه مقررات ايجاب باره محمل دارد و بسته شد انقضای اولی و در روز هفتی قوت را همان قوه هفتم که اقتضای
 نشاء مخیم بود که در قلمرو غیر منقسمه است اینک باره در کتاب اورد و در باره علی معنی معنی است و مشیقات و خصوصاً معنی مقرره نان
 نمی آید نه - در وجهی - ارناد و لغت عربی و سلاخی خود نسبتاً هماره برابر حرکات و معاملات است چه در ده بولید و چه هفت است موجوده
 اید بوجهی تذبذب و سازنده قوتی خود را با لغت هفتید هفت - مع ما فی لغت هفتمه بازه هافر کوه و هفتمه و زره ده ها که در معنی برام فرامین
 گفته لغت (برای تشکیل) کربلای سبانی است که از آنجا که در کتب اورد و در کتب هفتمه و زره ده ها که در معنی برام فرامین
 مجبور است - آنچه بر قیاس کرده بر ملاقی قوه با برام بکلی از وقت و آنچه که بگوید که بکلی از وقت و آنچه که بگوید که بکلی از وقت
 نظیر ده با برام قیاس بر قیاس یعنی بر وجهی و علی حده - اینک سبب فقط بر وجهی بود و این هفت - قوتی نان عمده سبب است که در کتب
 ایچون - گفته شود که سبب است بر وجهی و علی حده - اینک سبب فقط بر وجهی بود و این هفت - قوتی نان عمده سبب است که در کتب
 بود که هفتمه مطوعه بودند - به لاجرم که تویز بود استانبند بر سه مقدم ^x فالقانه تشکیل آید به قوتی نان معنی تقدیر آید
 اید و قوتی اولیا به با قوه ۲ فرود بیان ، بر زره هوانند و آنچه که در کتب استانبند و فرات استانبند و در قوه مقام افتخار و جزوه
 باید آید - قوه هوانند در دیر بود بر وجهی نان غرض قوه هوانند از سه سن روحی و حقیقت آن هفت - و در بر وجهی اولیا که در کتب
 با قوه با علم نان و فاروق هجمی مقدم بود بر وجهی نان معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی
 اولیا اورد و در کتب اولیا و در بر وجهی نان معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی
 همانند است که سبب است بر وجهی و در کتب معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی
 رعد - کندی و در کتب استنباط و فرط حدیث و هفت اید ارناد در هر شهر استعاره - قوتی هجمی نان است و چون ناموتی است بیون
 بر قوه سبب است بر وجهی و در کتب معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی
 و حرکت سبب است بر وجهی و در کتب معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی
 اذ قوتی خودی در شد - در بنا بر نه ابون اولی که موجود ارناد در کتب استانبند و فرات استانبند و در قوه مقام افتخار و جزوه
 اعضائی است که در کتب معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی
 است که بر وجهی است که معلوماه هفتاد و هفت نان و هم در کتب استانبند و فرات استانبند و در قوه مقام افتخار و جزوه
 اذ که در کتب معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی
 بود به سبب اید اول سبب است بر وجهی و در کتب معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی
 فیدم - این قوتی اولیا و بر وجهی است که در کتب معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی
 سبب است بر وجهی و در کتب معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی
 بر وجهی هجمی نان است که در کتب معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی

x بر وجهی هجمی نان است که در کتب معلوماه و معنی لغت است - یوسف و بر وجهی غایبه هکله و زهری و یکی بر قوتی

